



میرزاجهانگیرخان قشقایی، حلقه وصل روزگار ما و حکمت متعالیه است

رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی گفت: میرزاجهانگیرخان قشقایی در دوران چهارصدساله بعد از حکمت متعالیه یکی از حلقه های وصل بسیار مهم میان عصرما و حکمت متعالیه و از چهره های ممتاز این دوران است.

رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی گفت: میرزاجهانگیرخان قشقایی در دوران چهارصدساله بعد از حکمت متعالیه یکی از حلقه های وصل بسیار مهم میان عصرما و حکمت متعالیه و از چهره های ممتاز این دوران است.

به گزارش خبرنگارمهر، مراسم بزرگداشت مرحوم میرزاجهانگیرخان قشقایی، حکیم الهی و فیلسوف صدرایی عصر روز گذشته در تالار شهید مطهری انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار شد.

حسن بلخاری، رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در ابتدای این نشست گفت: میرزا جهانگیرخان در سال ۱۲۴۳ هجری قمری در اصفهان متولد شد و در سال ۱۳۲۸ هجری قمری هم دار فانی را وداع گفت. وی در دوران چهارصدساله بعد از حکمت متعالیه یکی از حلقه های وصل بسیار مهم میان عصرما و حکمت متعالیه و از چهره های ممتاز این دوران است. امیدوارم دوران های بعدی، دوران جهانی شدن حکمت ملاصدرا باشد.

انس با نهج البلاغه از زمان ملاصدرا شکل گرفت

وی افزود: چهار عنصر بنیادی در دوره چهارصد ساله بعد از حکمت متعالیه وجود دارد؛ حکمت، فقاقت، اخلاق و شریعت. یعنی شخصیت های این دوران با این عناصر قابل تعریفند. ما تا پیش از ملاصدرا جمع حکمت و فقاقت نداشتیم اما در دوران پس از او این دو باهم جمع شدند. عامل اصلی فقاقت و حکمت هم میل وسیع حکمت اسلامی به حکمت شیعی است. ملاصدرا که با او حکمت، شیعی شد وامدار افرادی چون صدرالدین دشتکی است کسی که برای اولین بار از اتحاد نفس و بدل حرف زد. اگر ما در این دوره اخلاق داریم از نتایج نفس و بدل است.

بلخاری در پایان گفت: میرزاجهانگیرخان قشقایی نهج البلاغه را تدریس می کرد و به گفته آقا بزرگ تهرانی شرحی هم بر نهج البلاغه نوشته است. انس با نهج البلاغه هم یکی از ویژگی های این دوران چهارصد ساله است چون از دوران ملاصدرا به بعد نهج البلاغه یکی از منابع بنیادین حکمت ما شد.

حجت الاسلام پارسانیا، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در ادامه این مراسم گفت: درست است که از زمان ملاصدرا تا الان چهارصدسال گذشته ولی نقطه عطف مواجهه ما با حکمت صدرایی حدود ۲۰۰ سال پس از ملاصدرا بود یعنی حکمت متعالیه بعد از حدود ۲۰۰ سال مسیر خودش را پیدا کرد. مرحوم میرزاجهانگیرخان از اساتید پخته حکمت صدرایی است. ما به هر معرفتی از دو منظر می توانیم نگاه کنیم؛ اول سپهر آن معرفت دوم اینکه آن معرفت چگونه وارد جان آن انسان و فرهنگ شده است. میرزا جهانگیرخان کشت معرفت داشت و کتابت او در متن جان کسانی بود که در مجلس او می نشستند، با او مواجهه داشتند و سلوک و منش او را می دیدند.

وی افزود: میرزا جهانگیرخان یکی از حلقه های معدود و البته مهم انتقال معرفت قشقایی است و حذف این افراد به منزله یک انقطاع تاریخی است. میرزا از حکمت عملی و نظری سخن می گوید و دوگانه عقل عملی و نظری را مطرح می کند. حکمت نظری و عملی هم هردو از نظر میرزا اقسامی داشت. رهاورد این تقسیم بندی ها هم این است که علوم یا نظری اند یا عملی. براساس طبقه بندی های امروز علوم یا علوم انسانی هستند یا علوم به معنی علوم اجتماعی و طبیعی. اما میرزا جهانگیرخان علوم اجتماعی و انسانی را جزو علوم نظری و باقی علوم را هم جزو علوم طبیعی می داند چون معتقد است اگر به طبقه بندی علوم طبیعی و علوم اجتماعی قائل شویم علوم انسانی جزو علوم اجتماعی حساب می شوند دلیلش هم این است که موضوع علوم اجتماعی کنش های انسانی است.

امثال میرزاجهانگیرخان قشقایی جزو کانون های مرکزی فرهنگ و تمدن ما هستند

پارسانیا ادامه داد: بحث از میرزاجهانگیرخان بحث درباره بخشی از هویت فرهنگی و تاریخی ماست و دانش وی در متن فرهنگ عمومی حضور داشته و امثال وی کانون های مرکزی فرهنگ و تمدن ما هستند که متاسفانه در نظام آموزشی مدرن به حاشیه رفته اند.

منوچهر صدوقی سها، نویسنده و پژوهشگر فلسفه دیگر سخنران این مراسم با تاکید بر اینکه مخاطب سخنانش در مجلس دانشجویان است گفت: من میخواهم کمی راجع به میرزا جهانگیرخان، اساتید و شاگردانش بگویم و دانشجویان این مجلس را با این شخصیت آشنا کنم برای همین ممکن است کمی سخنان من به نظر سطحی بیاید.

وی افزود: میرزاجهانگیرخان قشقایی، از خوانین قشقایی اطراف اصفهان بود. حکمت متعالیه هم به نظام فلسفی گفته می شود که متعلق به صدرالمتاهلین است. ما چهار روش معرفتی داریم؛ مشا، اشراق، عرفان و کلام. صدرالمتاهلین این چهار مکتب را درهم آمیخت و مکتبی ساخت که هرچهار روش در آن حضور دارد. حکمت متعالیه مکتب حاکم در زمان و دوران ما هم است. حیدرعلی صباغ و ملا اسماعیل اصفهانی کوشکی از جمله اساتید میرزاجهانگیرخان بودند. آقا ضیاء عراقی، میرزای نایینی، آقا سیدابوالحسن اصفهانی، آقا سیدجمال گلپایگانی، حاج آقا رحیم ارباب، حاج شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی، سید حسن مدرس اصفهانی و شیخ محمود مفید هم از جمله شاگردان میرزاجهانگیرخان قشقایی بودند.

آخرین سخنران این مراسم حسین کلباسی اشتیری، استاد دانشگاه و پژوهشگر فلسفه بود.

میرزاجهانگیر خان مربی و معلوم نفوس بود

وی گفت: بنده به واسطه اینکه جد ما جزو شاگردان خاص و ارادتمندان میرزاجهانگیرخان قشقایی بود از ۷-۸ سالگی نام ایشان را زیاد شنیده بودم و از زبان والدین مکرر نام ایشان را می شنیدم. غالب حکایات و تعاریف هم جنبه علمی نداشت بلکه ناظر به سلوک و احوالات میرزا بود. از همان زمان می شنیدم که میرزاجهانگیر خان مربی و معلوم نفوس بود. الان هم مقبره ایشان در تخت فولاد اصفهان و مقابل مقبره خانوادگی خاندان ماست و ما هر وقت آنجا می رویم، سرمزار این حکیم بزرگ هم می رویم.

کلباسی در ادامه سخنانش را در سه دسته تقسیم بندی کرد و توضیح داد: اول اینکه عزیمت میرزا جهانگیرخان قشقایی از اصفهان به تهران به معنای سکنی گزیدن ایشان نیست و به رغم اینکه به حوزه تهران می آمدند اما همواره بسیاری از طلاب هم از تهران برای دیدار و تلمذ نزد ایشان به اصفهان سفر می کردند یعنی می خواهم بگویم حوزه اصفهان هم همان زمان بسیار معتبر بود. نکته دیگر اینکه جامعیت میرزا جهانگیر خان بود او حکیمی بود که هم نهج البلاغه می دانست و هم آن را تدریس می کرد و تدریسش هم تدریس ویژه ای بود. جهانگیر خان از نظر من یک ذوالفنون است که هم فقه می دانست هم کلام، حدیث، ریاضی، هیئت و نجوم میرزا اهل شعر هم بود ولی هیچ وقت دلش نمیخواست با عنوان شاعر شناخته شود.

این استاد دانشگاه ادامه داد: نکته سوم اینکه امروز وقتی می خواهند مراتب علمی یک نفر را بسنجند می گویند رزومه ت چیست؟ اما در واقعیت اینگونه نیست که اگر کسی چیزی نوشت خدشه ای به اعتبارش وارد شود. ما علاوه بر فیلسوفان مکتوبی که کتاب می نویسند، فیلسوف شفاهی هم داریم چون خیلی از فلاسفه ما اهل نوشتن نبودند اما مربی نفوس بودند. میرزا جهانگیرخان هم نفوس را تربیت می کرد و هرکدام از شاگردانش برای خودش اعجوبه ای هستند.

سارا فرجی